



تجربه گردشگران ایرانی از نوروزگردی با خودروهای کمپر

سفر در

جاده ابریشم

یوسف حیدری / مسیر زندگی‌شان بعد از کرونا تغییر کرد. با ورود ویروس کووید ۱۹ زندگی خیلی از مردم دستخوش تغییر شد، اما برای آنها فرصتی شد تا خودشان را به چالش بکشند. تا قبل از شیوع کرونا مثل خیلی از مردم سوار هواپیما به شهرهای ایران و کشورهای مختلف سفر می‌کردند و در هتل اقامت داشتند. اما از سه سال قبل تصمیم گرفتند تا هرجا که می‌روند خانه‌شان را هم ببرند. سفر به جاده ابریشم و گذشتن از مرز کشورهایی که تا قبل از این برایشان ناشناخته بود، خاطرات زیادی را برایشان رقم زد. همه آن ۵۹ نفر بعد از سفر ۵ هزار و ۵۰۰ کیلومتری در جاده ابریشم با خودروهای کمپرشان در کنار برج میلاد گرد هم جمع شدند و از خاطرات این سفر گفتند.



« لذت قدم زدن در مرو و سمرقند و بخارا و تماشای زیبایی‌های شهر خجند و مزار رودکی چیزی نیست که در سفر چند روزه هوایی با تورهای گردشگری آن را تجربه کنی.» ایمان طالبیان یکی از اعضای گروه کمپینگ و کاروانینگ ایران، معتقد است در سفر به جاده ابریشم چالش جدیدی را در زندگی‌اش تجربه کرده است. او که در کنار همسرش با خودروی کمپر به همه شهرهای ایران سفر کرده است، می‌گوید: «ما پیک پیام نوروزی در جاده ابریشم بودیم و به کشورهایی سفر کردیم که نوروز نقطه مشترک همه ما است. وقتی پیشنهاد سفر به کشورهای ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان توسط مدیر گروه اعلام شد، تصمیم گرفتیم خودمان را به چالش بکشیم. من و همسرم از سه سال قبل با این ماشین که آن را تجهیز کرده‌ایم به همه شهرهای ایران سفر کردیم و یک بار هم به ترکیه رفتیم. البته در ترکیه به دلیل توریستی بودن و سفر اروپایی‌ها همیشه منتظر کمپرها هستند و با آن آشنایی دارند، اما در این سه کشوری که رفتیم آشنایی زیادی با کمپر نداشتند. با همسفران به راه افتادیم و از مرز دولت‌آباد وارد ترکمنستان شدیم. در این کشور تصور می‌کردند ما راننده کامیون هستیم و قوانین سفت و سختی هم دارند و در این سه سال هیچ توریستی وارد این کشور نشده بود. همه جا ما را اسکورت می‌کردند. اما هرچقدر از مهربانی مردم ازبکستان و تاجیکستان بگویم، کم گفتم و با همه وجود از ما پذیرایی می‌کردند. در این کشورها فرهنگ‌های مشترک و در تاجیکستان زبان مشترک چیزهایی هستند که با همه وجود لمس می‌کنید. سفر با کمپر ون‌های مسافرتی جذابیت خاصی دارد. در این سفر می‌توان مردم شهرها و روستاهای مختلف را از نزدیک شناخت. همچنین در طول سفر شناخت و تعامل با همسفران می‌تواند یک رابطه و دوستی و صمیمت با آنها به وجود بیاورد.»

وقتی صحبت از میهمان‌نازی و علاقه مردم کشورهای مختلف به ایرانی‌ها می‌شود، کتابیون فرمانفرمایان به عکس‌هایی که در حاشیه همایش کلوپ ملی کمپینگ و کاروانینگ کنار تعدادی از ماشین‌ها نصب شده اشاره می‌کند و از لذت و تجربه سفر در جاده ابریشم می‌گوید: « من و همسرم به خیلی از کشورهای دنیا با هواپیما سفر کردیم، اما بعد از همه‌گیری ویروس کرونا به این فکر افتادیم سبک سفرمان را تغییر دهیم. از آنجا که نمی‌خواستیم به هتل برویم تصمیم گرفتیم خانه‌مان را هم همراه ببریم. باور می‌کنید اصلاً دلم برای سفرهای هوایی تنگ نمی‌شود و هر جای دنیا که باشد دوست دارم همراه همسرم و با همین کمپر سفر کنیم. البته این نسخه برای همه مناسب نیست، به هرحال چون ما به سن بازنشستگی رسیده‌ایم و بچه‌ها هم بزرگ شده‌اند، چیز خاصی فردا منتظر ما نیست. این پروژه‌ای است که انتهای آن باز است و باید چند ماه خودتان را به جاده بسپارید و نباید به جایی وابستگی داشته باشید. من از هر ثانیه سفر با کمپر در جاده ابریشم لذت بردم. این سفر آورده زیادی برای ما داشت. با کسانی همسفر شدیم که شاید هفته اول شناخت زیادی از هم نداشتیم ولی از هفته‌های بعد عاشقانه کنار هم مسیر را طی و احساس می‌کردیم همدیگر را داریم. این قشنگی این سفرها است و انسان می‌فهمد باید خوبی‌های خودش را به سفر بیاورد و

مشکلات را کنار بگذارد.» کتابیون از واکنش زنان ازبک و تاجیک وقتی با کمپر و راننده‌های زن ایرانی مواجه می‌شدند هم گفت. « در این سفر ۲۴ خانم و ۶ کودک هم حضور داشتند و تعدادی از ما هم رانندگی می‌کردیم. چیز عجیبی که در این سفر با آن مواجه شدم این بود که فقط ۳ راننده زن در این کشورها دیدم، در حالی که در کشور خودمان زنان بسیاری رانندگی می‌کنند. حتی این موضوع را به همسر معاون رئیس‌جمهور تاجیکستان گفتم ولی می‌گفت تعداد زنان راننده در کشورشان بالا است اما به دلیل مشغله کاری در خانه کمتر رانندگی می‌کنند. وقتی در شهر و روستا توقف می‌کردیم با مهربانی ما را به خانه‌شان دعوت می‌کردند. وقتی هم از آنها می‌خواستیم به خانه ما هم بیایند با تعجب می‌پرسیدند، مگر شما خانه هم دارید؟ اما با دیدن کمپرها ما نظرشان عوض می‌شد. سفر در جاده ابریشم حال و هوای خاصی دارد. خیلی از مسیریهای این جاده دست نخورده و به همان شکل باقی مانده و باید با شتر رفت و آمد کرد. بهترین اتفاق این سفر برای همه ما در شهر کولاب در جنوب تاجیکستان رقم خورد؛ مردم این شهر که به زبان پارسی صحبت می‌کنند جمع شدند و ما را میهمان خانه‌هایشان کردند. هرکسی هر چیزی که در خانه‌شان داشت، آوردند و به هم می‌گفتند ما امشب میهمان‌های عزیز داریم. واقعاً این ضیافت برای ما جالب بود.»

چند متر آن طرف‌تر داخل یکی از کمپرها نشسته و با دست عکسی را به بازدیدکننده‌های همایش نشان می‌دهد و می‌گوید: «نزدیک شهر دوشنبه وقتی کنار دیوار نشسته بودم زنان تاجیک یکی‌یکی از خانه‌هایشان بیرون می‌آمدند و کنارم می‌نشستند. یکی از همسفران هم این عکس را گرفت. آنها از پدربزرگ‌هایشان و اینکه آنها ایرانی بودند، می‌گفتند.» مریم با حرارت خاصی از رالی گردشگری پیک‌های پیام‌آور نوروز در مسیر جاده ابریشم می‌گوید. «تا قبل از سفر با کمپر کوهنوردی می‌کردم. به همه قله‌های مرتفع ایران صعود کردم، ولی وقتی همسرم پیشنهاد داد با کمپر ایرانگردی کنیم قبول کردم و همراه شدم. تا قبل از شیوع کرونا با هواپیما سفر می‌رفتیم و بیشتر هم در هتل اقامت می‌کردیم. همین باعث می‌شد خیلی از نقاط جذاب و دیدنی کشور را نبینیم. اما با شیوع کرونا و بالا رفتن قیمت دلار و هزینه‌ها تصمیم گرفتیم ماشین را تجهیز کنیم و به دل جاده بزنیم. سفر به جاده ابریشم هم اولین سفر خارجی ما بود. دیدن شهرهای سمرقند و بخارا و تاشکند و تماشای آثار باستانی آن از لحظه‌های فراموش‌نشده این سفر بود.» ادامه حرف را محمدرضا می‌گیرد و می‌گوید «وقتی زمینی سفر می‌کنی خاکی می‌شوی و چیزهایی به دست می‌آوری که قابل مقایسه با سفرهای هوایی و قطار نیست. برای مردم تاجیکستان و ازبکستان دیدن کمپرها ما جذاب بود. می‌گفتند خانه‌های شما روی چرخ است و هرجا که بخواهید می‌توانید آن را ببرید. دیدن شهرهایی که روزگاری خاک ایران بود و فرهنگ و آیین‌های مشترکی که هنوز هم وجود دارند از نکات جالب این سفر بود.»

مدیر گروه سفر به جاده ابریشم را در یکی از چادرها پیدا می‌کنم. با کمپر به خیلی از کشورها سفر کرده است، اما می‌گوید این سفر با این گروه یکی از

بهترین سفرهای زندگی‌اش بود. همه کمپرهای ایران شهاب‌الدین اسلامی را می‌شناسند؛ مرد آرامی که سفر به مرو و تماشای شهری را که امام رضاع) روزگاری در آن ساکن بود از جذابیت‌های مهم سفر جاده ابریشم می‌داند. «ما پیک پیام نوروزی در جاده ابریشم بودیم. گروه کمپین و کاروان ایران سال‌هاست زیر نظر کانون جهانگردی و اتومبیل‌رانی ایران فعالیت می‌کند. در این سفر ۶۶ نفر بودیم که با ۲۷ خودرو حرکت کردیم که دو تا از ماشین‌ها به دلیل مشکلات برگشتند و با ۲۵ خودرو و ۵۹ نفر به ایران برگشتیم. از این تعداد ۲۴ نفر خانم بودند و ۶ کودک نیز در این سفر ما را همراهی کردند. به کشورهای ترکمنستان و ازبکستان و تاجیکستان سفر کردیم. سفر پرخطرهای که برای من و اعضای گروه هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود. از ۱۹۹۴ به این کشورها سفر داشتیم و آخرین بار هم سال ۲۰۱۴ بود که به این کشورها سفر کردم. قبلاً گروه‌ها کوچک بود و دوستان قزاق و روس هم در این برنامه‌ها بودند، ولی این اولین بار بود که به‌صورت گروهی سفر کردیم. از زمان تشکیل گروه کمپین و کاروانینگ چنین سفری نداشتیم. از خراسان خروج کردیم و از مرز لطف‌آباد وارد کشور ترکمنستان شدیم. چیزهایی که برای من و همسفرها هم جذاب بود در شهر مرو اتفاق افتاد؛ شهری با تاریخ قدیمی و بازارش و اینکه امام رضا(ع) قبل از سفر به مشهد آنجا اقامت داشتند. در این شهر کمپ کردیم. همچنین در شهر بخارای شریف با وجود اینکه مردم روزه بودند ولی از ما پذیرایی می‌کردند. در مسیر برگشت از بخارا به شهر زرافشان و سمرقند رفتیم. در شهر پنج‌رود جایی که مقبره رودکی است کمپ کردیم و بعد از آنجا به شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان رفتیم. در شهر خجند که دومین شهر بزرگ تاجیکستان است هم کمپ کردیم. از آنجا به سمرقند رفتیم. سفر ما تقریباً حدود ۵۵۰۰ کیلومتر بود. فقط روزها حرکت می‌کردیم. سخت‌ترین قسمت سفر در ترکمنستان بود که بسیار قانونی عمل می‌کردند. آنها سعی می‌کردند ما مردم را نبینیم. در ازبکستان هم استقبال خوبی از ما شد. در تاجیکستان هر روز ما را به افطاری دعوت می‌کردند. دو بار هم رئیس‌جمهور و پسرش ما را دعوت کردند. معاون رئیس‌جمهور برای ما از نوروز صحبت کرد. نوروز جشن ملی و اصلی آنهاست و خیلی برایشان مهم است. آنها در محلی به نام نوروزگاه جشن می‌گیرند. متأسفانه کمی دیر رسیدیم و جشن بزرگ تاجیکستان را از دست دادیم.

اسلامی ادامه داد: از روزی که کمپر وارد ایران شد ما چنین سفری نداشتیم. به نظر من این سفر نقطه عطی در تاریخ اتومبیل‌رانی و جهانگردی ایران است. از ویژگی‌های سفر تماشای تاریخ قدیم ایران بود. هم‌زمان‌های خودمان را دیدیم که شاید عزیزتر از جان بودند. وقتی وارد روستای پنج‌رود شدیم مقبره رودکی را دیدیم که بسیار جای عرفانی و دیدنی بود. تاجیکستان کشور ناشناخته‌ای بود و همسفران ما فقط اسم آن را شنیده بودند. یا مسیر سمرقند و بخارا را فقط در کتاب‌ها شنیده بودند و تا آن روز مرزهای قدیم ایران را از نزدیک ندیده بودند. این سفر برای ما ارزشمند بود و خوشحالی که به عنوان نمایندگان ایران، پیام دوستی مردم ایران را به مردم این کشورها رساندیم.